

ایلیگوچی

کؤنکؤل لر، پوره کله، بیربولیب باشلار
 نارنسا بیغین، ارارنؤهر اقلار- داشلار
 بیر سوهرادا تایبار قئلئنا آشلار
 کؤت ریلر اول ائقبالی سؤرکمئینک

دراہ تدارک و تششکلت کتیل

کنفرانس سراسری

حمه نیروهای دمکرات ملی و ترقیخواه ترکمن

ایلیگوچی با وقفه ای
 گرانشار مجدد خود را از
 سر می گیرد. وقفه نسبتاً
 طولانی که در انتشار آن
 بوجود آمد، خود موعینتی بود
 برای گردانندگان نشریه تا
 روند طی شده نشریه را تا به
 امروز مسورد ارزیابی
 موشکافانه ترار داده و روی
 اهداف آتی آن تعمق و تأمل
 بیشتری نمایند.

دست یازی به نقطه نظرات
 نوین و بازبینی دیدگاهها و
 تفکرات گذشته که قبل از مه
 ریشه در موقعیت نا مطلوب
 و پراکنده نیروهای ترکمن
 در خارج از کشور و احساس
 مسئولیت عمیق گردانندگان
 نشریه در قبال سرنوشت آتی
 ملت ترکمن داشتند و
 دارد، آنان را واداشت که به
 ارائه طرحها و راه حل های
 عملی تری برای غلبه بروضعیت
 اسف انگیز حاضرین آیند.

ارزیابی از موقعیت نیروهای
 خارج و بویژه داخل
 کشور، امروز با صراحت تمام

نشان می دهد که برای
 دستیابی و پاسخ مناسب به
 عالی ترین ایده ها و آمال
 های انسانی و بر حق ملت
 ترکمن، نمی توان با سلاح
 کهنه و گذشته و انتشار
 صرفاً چند نشریه که کوچک ترین
 تأثیر پذیری و تأثیرگزاری
 را بر جنبش ملت ترکمن
 ندارد، وارد عرصه کارزار
 کردید. از سوی دیگر، در
 موقعیت پراکنده نیروهای
 ترکمن نمی توان به مضاف این
 معضلات شتافت، باید که
 قبل از همه به سلاح کار
 آمدتری مسلح کردید. امروز
 می بایست واقعیت ها را
 آنگونه که هستند دید و
 در جهت ارائه راه حل هایی
 برآمد که منافع تاریخی ملت
 ترکمن را در صدر ترار می
 دهد.

مستاسفانه حقایق و شواهد
 امروز کیویای این امر
 هستند که روند تششکلت و
 پراکندگی نیروهای ترکمن
 که دیر بازی است کریبان

آنان را گرفت و هنوز هم
 ادامه دارد. در تداوم
 نیروهای هر چه بیشتری را
 از جنبش ملت ترکمن کنده و
 دچار انفعال و سرخوردگی می
 نماید.

ایجاد این بحران امروز به
 اوچ خود رسیده و دامنه آن
 نمود بسیار وخیم تری را
 بخصوص در میان تشکل
 ها و جریانات موسوم به
 جنبش ملت ترکمن دارد. بسیاری
 از این

نیروها که تا دیروز نقش
 فعالی را در جنبش ملت ترکمن
 و بویژه در این تشکل ها و
 جریانات ایفاء می نمودند
 امروز سرخورده و نا امید
 از تداوم روند و اوضاع
 آشفته جاری یا منزوی شده
 اند و یا فعالیت نا محسوسی
 را در این بین دارند.

وضعیت موجود نیروهای ترکمن
 به حق موجب نگرانی همه آن
 نیروهایی است که در راه کسب
 بهر روزی و سعادت خلق خویش
 بقیه در صفحه ۲

پیش به سوی کنفرانس سراسری

مشقات و ناملاپمات فراوانی را تا به امروز تحمل نموده اند و اگر امروز ما با این پدیده منفی و بازدارنده در جنبش ملت ترکمن روبرو هستیم برخوردارمستولانه می طلبید که صرفاً به بیان و توضیح آن قناعت نکرده و بلکه در پی یافتن آن گریزگاههایی باشیم که به خاتمه و حداقل کاهش این معضل یاری و مساعدت نماید.

در راه رفع این معضل که ریشه دیرینه ای خود این مقوله در تاریخ ملت ترکمن داراست، در طی چند سال اخیر در رابطه با پراکندگی نیروها، راه حل ها و متد ها و اسالیب متعددی از سوی جریانات و تشکل های مختلف ارائه و بکار گرفته شده که متأسفانه به علت آغشته بودن به عناصر تنگ نظری کسوت فکری و محورگرایی نتوانستند آویزگاهی برای رهایی نیروهای ملت ترکمن از وضعیت بحرانی امروز باشند.

در بررسی این پدیده و کنکاش در یافتن علل آن خود مقوله دیگر و مفصلی است، به جز تاثیر بقایای ذهنی مناسبات گذشته ترکمن ها در میان روشنفکران ترکمن و احبافان و سیاست های جانبدارانه سیستم های حکومتی در طول تاریخ که مانع از رشد ابتکارات و اندیشه های پویا و ترقیخواهانه گردید، در جریان انقلاب و پس از آن، تحمیل و رسوخ اندیشه های

توده های - اکثریتی به میان روشنفکران ملت ترکمن، نقش به غایت مخربی را به خصوص در پراکندگی آنان داشته است.

شکل گیری این نوع طرز تفکر در میان نیروهای ترکمن خود پروسه دردناک و نسبتاً طولانی را تا به امروز طی نموده و وجه عمده ناکامی جریانات و تشکل های منتسب به ترکمن صحرا در ارائه راه حلها برای رفع معضل تفرق موجود، تنها در چارچوب آن روند قابل درک است.

این روند که با ورود چران فدایی به ترکمن صحرا آغاز گردید، حامل فرهنگ نوینی بود که بسرعت و بر بسستر گسترش خبزش توده ها و تجربه مبارزاتی نازل روشنفکران ترکمن خود را تحمیل نمود.

بسیاری از روشنفکران سیاسی ترکمن که در این مکتب آموزش دیدند و رشد یافتند، در بهترین سال های مبارزه خلق خویش که زمینه های عینی کاملاً مساعدی را برای پاسخ به اساسی خواسته های ملت ترکمن دارا بودند، نه تنها نتوانستند به اعتلا عنصر دمکراتیسم که از خصایا بارز نحوه زیست و هستی ترکمن ها بشمار می آید مساعدت نمایند، بلکه با پذیرای آیه وار همان تفکرات بیگانه و تحمیلی توده ای - اکثریتی، فرهنگ فاسدی را در تداوم در بین بخشی از نیروهای ملت ترکمن مورد اشاعه و ترویج قرار داده و در نهایت در به انحراف بردن مسیر جنبش ملت ترکمن نقش موثری ایفاء

نمودند.

تنگ نظری، خود محوربینی، انحصار طلبی، بدبینی، آموخته های انقلاب است که نیروهای ترکمن عضو و هوادار این جریان ها خواسته و ناخواسته آنها را در امر رهبری و هدایت توده های خلق بکار گرفته و در حالیکه این فرهنگ فاسد رفته رفته در نحوه نگرش و بینش نیرو ترکمن نسبت به واقعیت ها، جای پای خود را مستحکم تر می نمود.

به همان میزان رو فرسایش اندیشه های جمع گرایی و دمکراتیک و متعاقباً انفعال و بیگانگی از توده ها شتاب بیشتری بخود می گرفت. این فرهنگ و نحوه نگرش نسبت به پدیده های اطراف که به فرهنگ خدشه ناپذیر روشنفکران سیاسی ترکمن بدل گردیده بود، در عین حال که طبیعی بود نمی تواند جایگزین آن سنت ها و فرهنگ اصیل و مردمی را در چارچوب همان اندیشه های کاملاً منحط و انحرافی شکل دهد.

این تفکر با آنکه غالب بود، اما در کنار خود اندیشه ای را هم که در آن ایام هنوز شکل نوزایی خود را در زیر سؤال بردن نگرش موجود می پیچود بمرام داشت، اما آن نتوانست بر بنسایان این بقیه در صفحه ۴

هویت ملی ، دیدگاهها و واقعیتها

شاولی

در گستره نوین و در واقع جهانشمول حرکت های ملی ، اراده خلق ترکمن نیز آن است که هویت ملی خود را به اثبات رساند و نامش را در صفحات تاریخ نوین ایران حک کند. این اراده حق به جانب است زیرا که از یک طرف از موجودیت تاریخی خود دفاع می کند و از طرف دیگر ماهیتا بر سیاست دیکتاتور منشا نه حکومتی می نازد که با انکار وجود ملیت های دیگر و بدون کمترین توجهی به خواست و آرزوی اعضای تشکیل دهنده این جامعه، خود را بر اساس باورهای وجدانی مردم و با تکیه بر چماق و اسلحه برگزیده هاتمیل کرده است . اما این تنها بیان کلی مسئله است. جنبش ما باید آرمان های تاریخی خود را بطور مشخص بیان دارد و بر اساس واقعیت ها اهداف برنامه ای خود و راه های رسیدن به آن را تعیین کند، تا به جنبشی فراگیر تبدیل گردد و حمایت گسترده ترین اقشار مردم ترکمن و روشنفکران ملل دیگر را به خود جلب نماید. برای آن نیز ابتدا باید روشن ساخت که این آرمان ها بر اساس چه

واقعیت هایی شکل یافته اند، ستم ملی که مامدعی آن هستیم ، در چه عرصه هایی از زندگی خلق ترکمن اعمال میشده و چه اهدافی را دنبال می کرده است. سیاست های دوران پهلوی گر چه مناسبات اجتماعی - اقتصادی عقب مانده در ترکمن صحرا را نسبتا به سوی رشد و ترقی سوق داد، ولی از آنجا که به همراه مناسبات کهنه عشیرتی ، به نابودی تدریجی زبان و فرهنگ ، آداب و رسوم و به طور کلی ماهیت وجودی خلق ترکمن در ایران کمر همت بسته بود، از آنجا که بر سیاست های یکجانبه از مرکز و برای اجرای آنان بر تفنگ و سرنیزه استوار بود، مخالفت و مقاومت خلق ترکمن را برانگیخت. رژیم پهلوی هرگونه حق سیاسی برای خلق ترکمن در تعیین سرنوشت خود را انکار می کرد و هر جا که با مقاومتی روبرو می شد ، پشمنه ای از کشته های این خلق را برجای می گذاشت. ترکمن به پرداخت حق املاک و بیگاری روی زمینی مجبور شد که اجداد آبه او تعلق داشت و اکنون به غضب رضا خان میرپنج درآمده بود. خلاقیت داهیان

رضا خان مبنی بر کشف حجاب ، به طوری مشمئزکننده باعث سبب و آزار دختران و زنان ترکمن به دست سربازان و ژاندارم های رژیم به اجرا در آمد. تعلیم و تربیت علوم و فنون جدید و استقرار تکنیک مدرن تا آنجا در ترکمن صحرا پیش رفت که احتیاجات رژیم اقتضا می کرد. و دقیقا به همانگونه سرمایه نیز تنها در جستجوی وحشیانه ترین بهره کشی ها وارد این منطقه شد. جایگاه واقعی و برابر حقوق این خلق انکار شده و به لحاظ اجتماعی مورد تحقیر و توهین قرار گرفت. خلق ترکمن در همه عرصه های ظالمانه و مبنی بر ستم ملی را به چشم دید و تجربه کرده است. رژیم جمهوری اسلامی نیز در آغاز حیات نکتبیار خود، جنبش ملی خلق ترکمن را به خاک و خون کشید. این رژیم در طول تسلط خود بر منطقه ، سیاست های دوران شاهنشاهی را در اشکالی عقب مانده تر و وحشیانه تر دنبال کرده است. اینک ترکمن صحرا از

تفکر منحنی ضرب کاری وارد آورد. حاملین طرزتفکر کهنه آنجا که منافع تاریخی ملت ترکمن و ستم ها و احمقانهات وارده بر آن را سراروی خود^{ترکمنی} دادند، در بر خورد نسبت به ارائه راه حل ها عمدتا از همان اصل فرهنگ وارداتی کهنه تبعیت کرده و از این رو در جریان ارتباط و تماس با توده ها دچار تناقضات جدی می شدند. این فرهنگ اهدافی جنبش چپانه تنها در جریان نوسانات پس از انقلاب نرسایش نیافت، بلکه در سال ها پس از آن نیز همچنان ضمن انطباق خویش با شرایط رو به تحول و دگرگونی، به حیات تکاملی خود ادامه داده و بدین ترتیب در پروسه چندین ساله فرهنگ را در اذهان نیروهای ترکمن وارد نمود که بعدها بر فعالیت نیروهای ترکمن ضربات جبران ناپذیری را وارد آورد.

شکل گیری این دیدگاهها در نزد این بخش از نیروهای ترکمن همانطور که خود روند معینی را پشت سر گذراند، الزاما روند گسست از آن نیز می بایست پروسه منطقی و آگاهانه خود را سپری می نمود. بر این اساس وقتی که مسئله علل پراکندگی نیروهای ترکمن را مورد ارزیابی قرار می دهیم، الزاما می بایست چارچوب فکری حاکم بر آنان را نیز مد نظر داشته و باید افزود که بر پایه همان تفکرات وقتی در دوران بحث نیروهای ترکمن حول مسائل اساسی جنبش ملت

ترکمن، هیچگونه مکانیزم دمکراتیکی از سوی حاملین نظرات مختلف در این رابطه ارائه نمی گردد و بالعکس مجموعه این بحث ها به تفرق بیشتر و شکل گیری مناسبات خصانه در میان این نیروها می انجامد، آن را می بایست امری اجتناب ناپذیر دانست. در آن شرایط و با توجه به نگرش این نیروها نسبت به مسائل، اساسا نمی توانست ارائه طرحها و راه حل ها عاری از برخورد های تنگ نظرانه و خود محوربینانه باشد. در آن ایام زدودن فرهنگ به ارث مانده توده ای - اکثرتربیتی، هنوز دوران نوزایی خود را می پیمود و تا دست یابی به اندیشه های دمکراتیک راه دراز و پردردی می بایست طی می شد.

وقایع چند سال اخیر در جهان که نقطه آماج آن منوجه طرداندیشه های کهنه و دکسماتیستی و برافراشتن پرچم دمکراسی در ابعاد وسیع و همه جانبه خود در همه عرصه ها بود، ضمن مستزلزل نمودن بنیان دیدگاههای سابق، در تقویت و رشد عنصر دمکراتیسم و واقع بینی نقش غیرقابل انکاری را ایفاء نمود. این تفکر راکه حقیقت در انحصار هیچکس نیست و می بایست نسبت به پدیده های جهان واقع بین بود، همگان آگاهانه پذیرفتند، ولی بقایای تفکرات گذشته هنوز مانع

از آن بود تا اولاً ارائه برنامه ها و پلانتفرم های سیاسی عاری از عنصر ذهنی گسرایبی باشد و ثانیاً مکانیزمی پیشبرده شود تا روند همگرایی نیروهای ترکمن را هموارتر نماید.

بربسیتر مجموعه تحولات رو به اعتلا در عرصه دیدگاههای شوریک - سیاسی بود که بحث وحدت نیروهای ترکمن عمدگی یافته و گسرایش به خاتمه دادن این پراکندگی ها تقویت می گردد. ولی با وجود همه این آرزوهای نیک، متأسفانه مکانیزم ها و راه حل های مطرح در این رابطه در مضمون ارائه خود، عنصر تفکرات گذشته را حامل بوده و در این راه هرگز به سبب خویشتن و صرفاً از زاویه به کرسی نشاندن اعتقادات و شرط و شروط های خود با آن بر خورد می نمود. طبیعی بود که پیشبرد چنین شیوه های برخورد نه تنها مانع از وحدت و نزدیکی نیروهای ترکمن بود، بلکه میزان انفعال و یاس و سرخوردگی را در میان آنان افزایش می داد. این تفکر که در شرایط نابسامان و آشفتن امروز می توان بستری سالم برای انعکاس نظرات مختلف و تبادل اندیشه ها حول مسائل اساسی جنبش ملت ترکمن فراهم آورد، هنوز جای واقعی خود را نیافته بود و اصرار بر اثبات صحت نظرات خود از کانال نشریه

بقیه در صفحه ۵

و برخورد های فردی عمدگی داشت، بر بستر مجموعه این تحولات و تحلیل از وضعیت و کرایش عمده نیرو های ترکمن بود که ایل گویچی در شماره ۱۶ خود شمار کنفرانس سراسری همه نیرو های ملی، دمکرات و ترقیخواه ترکمن را با هدف بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل اساسی جنبش ملت ترکمن و یافتن مکانیزمی عملی و واقعی برای خاتمه دادن به این پراکندگی ها مطرح نمود. این شمار با آنکه از همان اولین روز های طرح خود مورد استقبال مجموعه نیرو های ترکمن قرار گرفت،

ولسی بعزت و ضمیمت نامطلوب و غیر منسجم نیرو های ترکمن نتوانست گام های عملی در راه تدارک و تحقق آن برداشته شود. از سوی دیگر ما هم که خود این شمار را به میان آورده بودیم، نقطه نظرات و درک خود را از شکل و مضمون آن برای سایر نیرو های ترکمن بن نگاشته بودیم.

گردانندگان نشریه ایل گویچی در ارائه این شمار ضمن تحلیل و بررسی روند فعالیت نیرو های ترکمن در خارج از کشور و استناد به تجارب عدیده جهان امروز، از این اصل خدشه ناپذیر اصولی تبعیت نمودند که مجموعه مسائل مطروحه ما بین نیرو های ترکمن مجموعه اداری هسته مشترکی است و توافق عمومی پیرامون بنیانی ترین مسائل جنبش ملت ترکمن وجود داشته و پاسخ شایسته به مجموعه

مسائل ملت ترکمن از عهده این یا آن جریان به تنهایی خارج است. در عین حال گردانندگان نشریه با استناد به تجارب دیروز و امروز این روز این نتیجه را اخذ نمودند که پیشبرد مجموعه این بحث ها صرفا از کانال نشریه و امید به آنکه این یگانه اهمرم نامین وحدت نیرو هاست، به معنای آزمودن دگر بار تجارب ناکام گذشته است و راه دستیابی به امر وحدت را در هاله ای از بحث های بی نتیجه و مبهم فرو نخواهد برد. به گمان ما پیشبرد و دامن زدن به این مسئله از کانال نشریه، از جمله مکانیزم هایی است که می بایست در راستای تامین هدف عالی وحدت نیرو های ترکمن بهره جست. ولسی علی رغم آن، نقطه آماج تمامی این تلاش ها اگر با هدف فراهم ساختن آن بستری نباشد که همه نیرو های ترکمن بتوانند صرف نظر از تعدد نظرات و عقاید، در محیطی سالم و تفاهم آمیز مسائل را مورد بحث دوستانه قرار دهند، مجموعه این اقدامات جز تحلیل بردن بیشتر نیرو ها و تداوم این پراکندگی ها حاصلی نخواهد داشت.

این پیام اصلی است که نشریه شماره ۱۶ ایل گویچی حامل آن بود، ولی این واقعیت را نیز باید پذیرفت که با طرح صرف شمار کنفرانس سراسری که امروز به حق خواست عمومی همه نیرو های

ترکمن مستعد و دلسوز را عبارت می سازد، نمی توان آن را مستحق نمود.

در راه تحقق واقعی این شمار می بایست که اقدامات عملی و بدیگر سخن مکانیزم هایی را ارائه نمود که بتواند در خود وسعت بیشتری را در پیرو ها را گرد آورد، خودی خود طبیعی است که تدارک و در نهایت تشکیل این کنفرانس می بایست با مشارکت و مساعدت همه این نیرو ها ترتیب یابد. ما شدیداً مخالف آن درک تنگ نظرانه ای هستیم که تدارک اینگونه نشست را در انحصار خود دانسته و تلاش می نماید نظریات و اعتقادات خود را به عنوان پیش شرط ها و تنها اصل مبنای وحدت نیرو ها به جمع تحمیل نماید. روح و جوهره اصلی این کنفرانس به گمان ما این باید باشد که در چارچوبی معین و هدفمند، کلیه عناصر متشکله آن حق طرح و بیان نظرات خود را داشته و مجموعه بحث ها باید که در راستای نیل به نتایج معین پیشبرده شود. آنچه که مسلم است اینکه این کنفرانس به هیچ وجه میدان زور آزمایی و عرصه ای برای منکوب و تحقیر نمودن دیگران نیست و نباید باشد. عنصر دمکراتیسم و اعتماد و اعتقاد به یافتن زبان مشترک و در نهایت نقطه پایان گذاردن برای این پراکندگی

انحرافات اجتماعی، اجتماعی رنج می برد که تصور آنان تاکنون برای ترکمنان مشکل بوده است. حکومت جمهوری اسلامی با سرکوب خونین آمل و آرزوهای این خلق و برپاسازی ویرانه های اقتصادی، زمینه های عیسنی و ذهنی توسعه چنین انحرافات را پدید آورده است. این ها همه به آن دلیل واقع شده و می شوند که ترکمن خود سخن نگفته و رشته های هدایت زندگی اش را به دست نداشته است. برای او سخن گفته اند و سرنوشتش را تعیین نموده اند. دقیقاً چنین بستری است که زمینه های مبارزه ترکمنان ایران را در جهت احقاق حقوق ملی خود، بوجود آورده اند. اما احقاق چنین حقی بکروزه امکان پذیر نیست و خود احتیاج به -

زمینه های معین دارد. این مبارزه مراحل گوناگون و در هر مرحله عرصه های متعددی را در بر میگیرد. وسعت چنین مبارزه ای میتواند از گرفتن حق انتشار یک نشریه به زبان ترکمنی (در شرایط کنونی و در داخل) تا تعیین همه جانبه سرنوشت خویش، گسترده باشد. منطقی میان اولی و دومی مراحل تاریخی نهفته اند. برنسل های انقلابی و پیشرو خلق ترکمن است که منطبق بر تحولات سیاسی- اجتماعی جامعه ایران، در نشست های عمومی

و با استفاده از خرد جمعی، با تحلیل شرایط عینی موجود، وظایف مرحله این جنبش را تبلیغ و ترویج نمایند. اینجا صحبت از حل قطعی مسئله ملی در میان نیست. چنین واژه ای اصولاً غلط و پیاوه بنظمی رسد. مسئله ملی را باید به مثابه ارگانیک زنده ای دید که در هر گذرگاه تاریخی پاسخ ها و بر خورد های ویژه را می طلبد.

جنبش ملی خلق ترکمن تاکنون دورانهای پرفراز و نشیبی را از سرگذرانده است و تار سیدن به

هدفی که پیسج و تابعی دشتواری را تجمیع کرده، بردشمنان بیرونی غلبه یابد و بر انحرافات درونی فائق آید. و برای آن باید این جنبش به علم و دانش کافی مجهز گردد، عنصر آگاهی را به عنوان اصلی ترین سلاح خود به کار برد و اهداف و راههای رسیدن به آنان را با دقت و موشکافی تمام تعیین کند، زیرا که صداقت صرف، پیروزی مبارزه را تضمین نمی کند و حرکت مستکی بر اساسات می تواند به آسانسی از مسیر خود دور گردد. نوشته هایی که تا به حال در رابطه با مسئله ملی خلق ترکمن بیرون داده شده اند، کمتر به احتمال وجود انحرافات فکری در جنبش خلقمان اشارتی داشته اند. از جمله انحرافات که اصلاً به آن پرداخته نشده، تفکرات پان ترکمیستی و یا به عبارتی

بهرتر پان ترکمیستی است. چنین گرایش در سال های اوج گیری جنبش انقلابی خلق مان در مقطع انقلاب بهمین دلیل نداشتن شرایط عیسنی بروز، در اغتفا و بسیار ضعیف بوده است. پس از یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به نهادهای مردمی در ترکمن صحرا و سرکوبی حرکت های انقلابی آنان و مهاجرت تعداد کثیری از رزمندگان ترکمن به ترکمنستان شوروی، به دلیل دور افتادن این روشنفکران از شرایط جامعه و عمده شدن مسائل ذهنی برای این نیروی خارج کشوری، این فکرنیز قوت گرفته و اینجا و آنجا خود را مطرح نموده است. لازم به تاکید است که این تفکر هنوز بصورت جریبان منسجمی در نیامده و تنها کسراش بیش نیست. اما فردا که تحرک ملی بیشتر شود و بخصوص زمانی که دستاوردهای نسیز داشته است میتواند به خطرناکترین و مضرترین نیروی همجوار جنبش خلق ترکمن مبدل گردد. چنین تفکری با قضاوت قبلی به استقبال پدیده هامی رود.

از جمله در رابطه با مسئله ملی، از شرایط موجود زندگی خلق ترکمن، از زبان و فرهنگ و از تاریخ و فلکلور آن هاله مقدسی می سازد که خود فقط پاسدار اوست. چنان که هرگونه برخورد انتقادی نسبت به این هاله مقدس، اعصاب و رشته های تفکر او را بر هم می ریزد

کور اوغلو

سمیل دوستی و رزم مشترک

داستان کور اوغلو (کور اوغلی) نمونه کویبای خلاقیت مشترک خلقهای برادروستمدیده ای است که دنیای معنوی و مبارزه طولانی ضد فئودالی آنان را برای زندگی بهتر در قرون وسطی بازتاب می دهد. این موارد به خوبی در روایات آذربایجانی که به طور تنگاتنگی با روایات ترکمنی پیوند دارد، هویداست. حماسه کور اوغلی اولین بار در میان آذربایجانی ها و ترکمن ها رواج یافت. این بدان معناست که هسته اصلی حماسه کور اوغلو عمدتاً در محیط آذربایجانی ها و ترکمن ها در قرون ۱۷-۱۶ میلادی پدید آمد. این حماسه در میان آذربایجانی ها بنام 'داستان کور اوغلو' شناخته شده و با پدر کور قرمان حماسه یعنی علی کیش مرتبط است. در روایت آذربایجانی، حماسه مذکور، داستان قرمانانه ای است که از چند قسمت جداگانه ساخته شده و در آنان درباره نبرد های مهم کور اوغلو و منجمه تولد

وسرک وی نیز سخن می رود و قسمت های مختلف آن همانند روایات ترکمنی به شکل حکایات حماسی شعرگونه و همراه با ترانه های مثنوی اجرا می گردند. در جریان سده های سال، اشعار و ترانه های کور اوغلو بطور مرتب توسط عاشیق های آذربایجانی و باغشی های ترکمن باز گوگردیده و خوانده می شوند، که از این جهت این حماسه مقام خاصی را در آثار فولکلوریک خلق های آذربایجان و ترکمن داراست. اغلب این یا آن عاشیق، بخش هایی از این حماسه را تحت عنوان گل اجرایی کند و گاه نیز قطعاتی از آن بصورت ترانه های خلقی به اجرا در می آید. هیچ خواننده و یا نوازنده ای را در میان آذربایجانی ها نمی توان یافت که در اجرای این حماسه خلقی همت نکرده باشد. اما این داستان قرمانانه امروز دیگر از چارچوب محلی خود خارج گردیده و در میان موسیقی دانان، هنرمندان

خوانندگان، نوازندگان و در تئاتر و سینما و کنسرت ها جایگاه شامخی را کسب نموده است. در این حماسه، قیام دهقانان و بی چیزان شهری علیه فئودال ها، دشمنان داخلی و خارجی حکام مستبد ترک و ایرانی و بخصوص ایام جنگ های اسارت بار قرون ۱۷-۱۶ بازتاب یافته است. درباره حوادث طوفانی آن دوره باخومون می نویسد که جنگ ایران و ترکیه که سال ۱۵۱۴ آغاز گردید، تا سال ۱۵۵۵ بطور لاینقطع تا انعقاد اولین قرارداد صلح ادامه یافت. در بحار سال ۱۵۷۸، ترک ها فرستادگان ویژه خود را به ماوراء قفقاز اعزام داشتند. و در پائیز ارتش مصطفی پاشا به شیروان تهاجم نمود. ترک ها شهرهای گنجه، باکو، در بند و دیگر شهرها را تصرف کرده و مراکز حکمفرمایی خود را ایجاد نمودند. فارس ها که بالاچار تاقار باخ رانده شده بودند به جنگ پارتیب زانی روی

آوردند... در سال ۱۵۵۰، شاه ایران مجبور به پرداخت غرامت سنگینی گردید و ترک‌ها شش‌مهرهای تبریز، زنجوان، گنجه، قاراباخ، شیروان، گرجستان و بخشی از کردستان را تصرف نمودند. انعقاد صلح، به شاه عباس امکان داد که نیروهای تازه تدارک دیده و برای جنگ آماده شود. در طی سال‌های ۱۶۰۵-۱۶۰۴، ایرانیان موفق به بازپس‌گیری شهرهای ایروان، تغلیس، گنجه، و چند شهر دیگر گردیدند و آنان را تا سال ۱۶۰۶ در تصرف خود نگه داشتند.

این جنگ‌های فتوح‌دالی و غارتگرانه که سال‌های سال میان ایران و ترکیه جریان داشت، ضربه بسیار سنگینی برای خلق‌هایی بشمار می‌آمد که عملیات جنگی شاهان ایرانی و سلطان‌های ترک در محدوده زیست‌آنان روی میداد. طبیعتاً این جنگ‌ها با مخالفت‌های سخت‌توده‌ها همراه بوده و حماسه‌هایی نظیر کوراوغلو پربست‌ترچنین شرايطی خلق شده‌اند.

سردهسته شورشیان کوراوغلو، بیانگر قدرت و نیرومندی، شرافت، عدالت مردم ساده بشمار می‌آید. اوسمیل برادری، دوستی و رزم شجاعانه مبارزان راه حق و درستی است.

حماسه کوراوغلو، از مدت‌ها قبل توجه سیاحان و فرهنگ‌شناسان و دوستان علم را بخود جلب کرده است. بطور نمونه اگر روایت

آذربایجان‌ی آن رادر نظر بگیریم، محققین جنبه‌های مردمی، ضدیت آن با مذهب سالاری، خصائل مثبت و عامیت آن و هم‌چنین مقام برجسته تاریخی آن را که با جنبش‌های دهقانی قرون ۱۷-۱۶ میلادی پیوند خورده است، مورد تاکید قرار میدهند.

اغلب داستان‌های حماسه کوراوغلو در میان روایات ترکمن و آذربایجان‌ی با هم انطباق دارند. احتمال داده می‌شود که هسته اصلی این حماسه در تبریز شکل گرفته باشد.

جنبش‌های ضد فتوح‌دالی دهقانان و بی‌چیزان شهری اساس خلق حماسه کوراوغلو را پی‌نهاده‌اند. ناچران ایستایی نیز درباره زندگی مشترک خلق‌های مختلف در آذربایجان ایران و مرکز آن تبریز که در داستان‌های آذربایجان‌ی و ترکمن‌نویز انعکاس یافته‌اند، گواهی می‌دهند. بطور نمونه ناچران ایستایی بنام جووانی در باره تبریز می‌نویسد، در این شهر علاوه بر فارس‌ها، آذربایجان‌ی‌ها، ترکمن‌ها، ارمنی‌ها و گرجی‌ها نیز در کنار یکدیگر بسر می‌برند.

درباره ترکیب استقاپی جمعیت آذربایجان در آستانه جنبش‌های ضد فتوح‌دالی و در زمان پیدایش حماسه کوراوغلو، آثار دیگر تاریخدانان و ادب‌شناسان و هم‌چنین سیاحان قرون وسطی نیز گواهی

میدهند. آکادمیسین کریمسکی در این باره می‌نویسد، در پایان قرن ۱۳

در آذربایجان و در دوران مغول‌ها، ترکمن‌های قراقویونلو و آق‌قویونلو به آذربایجان سرازیر شدند و در قرن ۱۵ ترکمن‌ها آق‌قویونلوها کمیت رادر آذربایجان بدست گرفتند. همزیستی و زندگی مشترک دو خلق نزدیک به لحاظ منشاء و زبان و فرهنگ و غیره، تاثیرات متقابلی را در عرصه ادبیات و هنر بر یکدیگر بر جای نهاده است. در روایت ترکمنی

و آذربایجان‌ی، قهرمان اصلی حماسه، متفاوت با مثال‌روایت ناچران‌یکی و بیخ‌شا از یکی، سوارکار شجاع و خست‌واننده ای بنام کوراوغلو است که ابتداء و روش‌شناس نام داشت. (در حماسه آذربایجان‌ی و ترکمن‌ی، روشن‌قهرمان اصلی و در ازبکی روشن‌شوه قهرمان اصلی آورده شده است). کوراوغلو دارای چهل (و گاها ۷۷) سوارکار می‌باشد که همواره آن‌ها تخلص 'دلی' (دیوانه) را بر خود دارند.

البته این تخلص در زمان خود معنی دیگری را داشت و این تخلص به جنگجویان شجاع، جوان مردان، وفاداریان راه خلق داده می‌شد. در روایت ترکمن‌ی حماسه کوراوغلی باید گفت که تیره بزرگی بنام خارمان دالسی وجود دارد که به

قهرمانان خود تخلص دألی می دهند. در ضمن باید خاطر نشان ساخت که مکتومقلی هم در قرن ۱۸، هم میهنان خود را فرا می خواند که در میدان رزم همچون دألی یعنی رزمجویی دلاور و بی باک باشند.

غوج بیکیدینک آدی چقماز

دولتی - مالی بؤلماسا

اندیشه لی ایش بیئیرمز

میداندا دألی بؤلماسا

در نسیمه دوم قرن ۱۶ و نسیمه اول قرن ۱۷، محدوده سرزمین آذربایجان به منطقه تاخت و تاز سلطان ترکیه (مراد سوم) و شاه ایران (شاه عباس اول) بدل می گردد. این جنگ های فتودالی توده های زحمتکش را که بدون این جنگ ها هم در شرایط فقر و بدبختی بسر می بردند، دچار ورشکستگی می سازد. خلق، غم و تحقیر خود را با ترانه های تاثیرانگیز ادا می کرد. اما مردم نه تنها به سرودن ترانه های حزن انگیز می پرداختند، بلکه روانه کوهها و جنگل ها و بیابان ها شده و به گردان های دشمنان و کاروان آنان حمله می بردند. رزمندگان راه آزادی زورگویان را تارومال و اسرا را آزاد می کردند و عاشقی های خواننده مبارزات سخت و قهرمانان پیروز را در بهترین ترانه ها و روایات مورد مدح و ثنا

قرار می دادند.

کورواوغلو در روایت ترکیمنی و آذربایجان، از فتودال های بومی و متجاوزین بیگانه انتقام گرفته و از میان دغستران خان ها، پاشاها و سلطان ها، عروسان زیبایی را برای خود و دلسی های خود بر می گزیند. کورواوغلو علاوه بر قهرمانی، از هنر خوانندگی و نوازندگی نیز برخوردار است، که این امر به او در کرد آوردن رزمندگان شجاع و نفوذ به قلب دشمنان و فتح قتلعه آنان یاری می رساند. بدیگر سخن هنر خوانندگی و نوازندگی یکی از سلاح ها و شاخس شجاعت او بشمار می آید.

کورواوغلو در میان دیگر داستان های خلقی، در آثار حماسی، مقام برجسته ای را داراست. در کانون این حماسه، جوانمردی بی باک، انتقام جویی سخت دل و درعین حال خواننده ای حییات آفرین و نوازنده ای الهام بخش قرار دارد. طنزین ترانه های او آکنده از خشم بوده و خلق را به مبارزه و قهرمانی در راه میهن، شرف و عدالت فرا می خواند. یاوران کورواوغلو از میان خلق و زحمتکشان شمرده بر خاسته و عناصر اصلی جنبش های ضد فتودالی دوران خود را تشکیل می دهند. کورواوغلو تمام فداکاری های خود را با اسب حماسی خود قیروآت و گاها نیز عرب آت به انجام می

رساند. همراه شجاع کورواوغلو با صفات والایی شناخته شده است. آن اسبی است بالدار و با فکر که به هنگام حمله به قلب دشمن او را یاری رسانده و از اودر هنگام خواب پاسداری می کند. چنین اظهاراتی در حق قیروآت، آنگونه که پیداست با موقعیت اسب در ایام قدیم و به میزان زیادی بانقش بر جسته آن در دوران جنگ های طولانی فتودالی پیوند دارد. از این رو در ایام قدیم به هنگام مرگ جنگجویی، طبق آداب و رسوم، اسب وی را نیز به همراه اودفن میکردند.

در حماسه مذكور، قلعه نفوذ ناپذیر چنلی نیئل (چانندی بیئل)، مظهر سرزمینی خوشبخت و زندگی آزاد است. قلعه مدافع مطمئن فراریان و دهقانان و پیشه وران بوده و آنان را از گزند تعقیب و پرداخت مالیات های سنگین به شاهان و پاشاها و سلطان ها در امان نگه میدارد. کورواوغلو در جانسپ او و پرورش اسب سحرانگیزی وی،

از دواج کورواوغلو با نگار زیبا (در میان ترکمن ها و ازبک ها آقا یونس گفته می شود)، به فرزندگی گرفتن آبیواز (آوازه اووز)، مبارزات سخت با زورگویان ترک و ایرانی، گرفتن حق از تاجران، رزدیدن اسب و بازپس گیری آن و غیره، بخش های اصلی حماسه را تشکیل می دهند. بقیه در صفحه ۹

وبه اعتراض و امیدارد. این نکر با خلاقیت و نوآوری بیگانه است و بدین لحاظ نه تنها انقلابی نیست، بلکه به

دلیل تلاشش در حفظ مناسبات کهنه، ارتجاعی است. این گرایش مبارزه ضد شوینیسیم فارس خود را آنجا که فرصت یافته، از طریق اشاعه تنفر از فارس پیش برده است. خود را کمتر در نشست های عمومی و بیشتر در بر خورده های فردی مطرح می سازد. این فکر در نقد سیاست های دوران پهلوی تنها به جنبه های ضد ملی و جابرمنشانه آن اشاره دارد و به قبول رشد نسبتا کیفی شیوه زندگی ترکمنان در این دوره، علاقه ای از خود نشان نمی دهد.

او با وجدانی بسیار آسوده از کنار قربانیان کشتارهای وحشیانه آرامنه در ترکیه و اخیرا در آذربایجان شوروی می گذرد و اما معتقد است که سیاست گران کرملمین و ارمنستان، توطئه مشترک علیه ترکی آذربایجانی چیده اند.

ایشان از ملاقات رهبری حزب ملی ترکمن عراق با او زال (بی توجه به آنکه دولت ترکیه در یک معامله بسیار ساده امپریالیستی می تواند بزرگترین جنبانابتهارا نیز در رابطه با جنبش ترکمنان عراق مبرکتی بشود) بسیار خشنود است، اما به بسته شدن مرزهای ترکیه به روی میلیون ها کردی که تنها و در درجه اول برای نجات جان خود از دست صدام به

کشور همسایه روی آورده اند، کوچکترین اعتراضی ندارد و برعکس اعلام کرد که به عنوان مرکز ایالت خود مختار کردستان عراق از طرف کردها را حرکت شوینیستی کردها می نامد.

حامل چنین تفکری، بازرگان ها و علی خامنه ای هارا با عنوان ناکرانی که تلمیح شوینیست های فارس شده اند، محکوم می کنند. زیرا او جامعه ایران را در بر خورده مسئله ملی ابتدا در ذهن خود، به شوینیست های فارس و اقلیت های تحت ستم تقسیم کرده است. او نمی خواهد واقعیت های موجود را آنگونه که هستند، ببیند و عمدا فراموش می کند که تمام سیاست های دوران شاهنشاهی و جمهوری اسلامی و حتی اکثریت قریب به اتفاق جریانات سیاسی اعم از چپ و راست را سیاستمداران فارس و ترکی دست در دست هم تدوین و اجرا کرده اند.

و این گونه است که اصطلاح ناکرمن نیز مصداق آنانی را می یابد که به این حاله مقدس، از زوایایی دگر مینگرند. بگذار آماجهای انسانی و شکوهمند خلق ترکمن قلب و وجدانی بیدار دیگر ملل ایران را در نوردد و در طی مسیر دشواری که در پیش دارد، به حمایتش فرا خواند.



کوراوغلو... این بخش ها هم در روایت آذربایجانی هم در روایت ترکمنی یکسان هستند. اما هر یک از این روایات خصوصیات ویژه خود را دارا می باشند. بطور نمونه اگر روایت ترکمنی با تولد قهرمانانه کوراوغلی آغاز می گردد، ولی این در روایت آذربایجانی وجود ندارد. از سوی دیگر در روایت آذربایجانی، بخش مبنی بر حمله شاه به در بند و ازدواج دوم کوراوغلی بازیبا روی در بند بنام سومینا خانوم و تولد پسری از او بنام حسن بک (کوراوغلی) هم چنین نبرد پدر با پسر ناشناخته خود وجود ندارد.

بخودی خود قابل درک است که در روایت آذربایجانی، منطقه جغرافیایی قفقاز و ترکیه جایگاه برجسته ای را داراست، ولی در روایت ترکمنی محدوده ایران و آسیای میانه است که عمده گی می یابد. این امر با انعکاس مبارزه خلق های آسیای میانه در قرون ۱۹-۱۵ علیه خان ها و فئودال های ایرانی در حماسه مذکور قابل بیان است. وضعیت فوق در دیگر آثار حماسی چون 'یوسف و احمد'، 'آلپامیش'، 'غشوق غیز' (چهل دختر) نیز انعکاس داشته است.

ویژگی حماسه آذربایجانی کوراوغلو در آن است که این حماسه بعدها منشا پیدایش روایات مستغابی تحت همین نام در میان کرد ها، ارمنی ها، کرجی ها و ترکی های بلغار

گردید، علاوه بر آن، این حماسه در این یا آن شکل و حجم، در میان دیگر خلق های قفقاز چگونگی آبخازها، آجارها، و کومیکف ها نیز رواج یافت.

جمع آوری حماسه ها، روایات و ترانه های مرتبط با حماسه آذربایجانی کوراوغلو از قرن ۱۹ آغاز شد. در سال ۱۸۵۴، در آثار دست نویس شاعر آذربایجانی، عنبدلیب قاراچاداغی، ترانه هایی از حماسه فوق آورده شده است. در روزنامه اعلامیه های تفلیس، سال ۱۸۳۰، گزارش درباره قلعه حماسی کوراوغلو و محل وقوع آن در محدوده قفقاز درج می کردند. اما قلعه مذکور تحت عناوین مختلف چون چنلی بیل، چامبول، شاملی بیل و غیره در قفقاز آسیای میانه، ایران و بالاخره در هر جایی که ترانه های کوراوغلو خوانده می شوند، بیان می کردند. در اولین سال نشریه روزنامه قفقاز، سال ۱۸۴۶، در آن طلبی تحت عنوان روایتی درباره قاراوغلی که در واقع تفسیر تخیلی همان کوراوغلو است، درج می کردند. مضمون این مطلب با دو روایت حماسه کوراوغلو یعنی کور شدن پدر وی و

نزد پاشای ترکیه متر داری می کرده است. ترانه های کوراوغلو در میان گرجی ها نیز رواج زیادی یافته و ترانه ها و روایات کوراوغلو در ردیف بهترین ترانه های گرجی قرار دارند. در حماسه کوراوغلو، دشمن اصلی قهرمان داستان، شاه ایران می باشد، او پدر کوراوغلو را کور می کند و مامور دریاری خود عباس را برای بدست آوردن تیرات به نزد کوراوغلو روانه می سازد. همانطور که پیداست، در این روایت تفسیرات محسوسی به چشم می خورد، بجای حمزه، شاه ایران عباس نامی را برای بدست آوردن تیرات روانه می سازد. اما علسی رغم این، حلقه های اصلی داستان یعنی کور شدن پدر کوراوغلو، دزدیده شدن تیرات، پیری و مرگ کوراوغلو محفوظ مانده است.

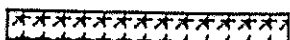
یادداشت های جالبی از جامعه شناسان آلمان بنام کاکستگا اوزن درباره قفقاز نیمه قرن ۱۹ وجود دارد. در یادداشت های او بنا به روایات محلی، جریان کور شدن پدر کوراوغلو توسط شاه ایران، دزدیده شدن تیرات توسط حمزه و بدستور سلطان ترکیه و بازپس گیری آن توسط کوراوغلو که در لباس خواننده و درویش عاظم ترکیه می گردد، آورده شده است. در یادداشت های این جامعه شناس آلمانی هم چنان آمده است که کوراوغلو با قهرمان حماسی ایران، رستم، به نبرد بر می خیزد که پس سه روز نبرد

عاقبت به مرگ هر دو می انجامد.

بهر حال شایان توجه است که یادداشت های اصلی حماسه آذربایجانی و ترکیمنی کوراوغلو (کوراوغلی)، اساسا پس از انقلاب ۱۹۱۷ اکسیر و ایجاد انستیتوهای ویژه مطالعه آثار فولکلوریک بود که از حالت پراکندگی بیرون آمد. در سال ۱۹۲۷ اولین اثر حماسه کوراوغلو در آذربایجان نشر می یابد و به ترتیب، دیگر روایات این حماسه نیز به زبان های مختلف انتشار می یابند. حماسه قهرمانانه کوراوغلو، به مثابه مظهر دوستی و رزم مشترک در راه زندگی

و رزم مشترک در راه زندگی بیشتر در سالهای بعد رشد روزافزونی یافته و پیام رزم آن با هنر عاشیق های

آذربایجانی و باخشی های ترکمن هم چنان از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته و همواره الهام بخش مبارزه خلق های ستمدیده علیه ستمگران و زورگویان زمان خویش بوده و خواهد بود.



ترجمه از: الف - ایلی

د ر راه تدارک و.....

ها می بایست جوهر و روح حاکم بر آن را عبارت سازد. این امر که مجموعه نیروهای ترکمن در رابطه با عمده ترین و حادثترین مسائل جنبش ملت ترکمن دارای نقطه نظرات و دیدگاههای کاملاً یکسانی نسبتند بر کسی پوشیده نیست و نکته قابل توجه در این بین آنکه، پیرامون برخی از این مسائل با توجه به تحولات و دگرگونی ها در عرصه تئوری ها و بیانش ها نمی تواند در حال حاضر نقطه نظرات قابل استناد ومدونی وجود داشته باشد. پرداختن جدی و پیگیرانه نسبت به این مسائل تنها در شرایط بکارگیری توان ودانش جمعی نیروها امکان داشته و تنها در این صورت می توان به نتایج معین و روشنی دست یافت. بنابراین آوردن و طرح اینگونه بحث ها و برداشته از این مسئله که می توان در این کنفرانس از هر دری سخن گفت، به گمان ما رهروان راه وحدت را به جایی نخواهد رساند.

ما بر آن هستیم که جداً می بایست از طرح این گونه بحث ها پرهیز نموده و مسائلی را در گام اول طرح نمود که وسیع ترین توافق ها پیرامون آن وجود داشته باشد. ما اعتقاد داریم که ضمن پرهیز از هرگونه بحث های پیچیده و تفرقه انگیز، می بایست مسائلی را در این کنفرانس

مطرح نمود که حول آن تجمع وسیعی از نیروها گرد آمده وهم اینکه زمینه برای پیشبرد منطقی این گونه بحث ها بزای آینده هموار گردد. بنابراین با توجه به این مسئله که این کنفرانس الزاماً می بایست از سوی همه نیروهای ترکمن تدارک یابند و تشکیل یابد، مضمون آن نیز باید از سوی آنان و در مشارکت با هم تعیین گردد.

ما با اعتقاد عمیق به حصول وحدت نیروهای ترکمن که به گمان ما در شرایط حاضر عاجل ترین وظیفه ای است که در برابر نیروهای ترکمن قرار دارد، نیروی اصلی خود را از این پس صرف پرداخت به این مسئله نموده و از شماره بعد بخش عمده مضمون نشریه را در اختیار این هدف قرار خواهیم داد.

ما ضمن دامن زدن به این بحث از کاتال نشریه، در عین حال از مکانیزم های دیگری برای تبادل نظر با دیگر جریانات و عناصر و شخصیت ها بهره گرفته و تلاش خواهیم نمود که به سهم خود این کنفرانس را به کنفرانس واقعی نیروهای ترکمن بدل سازیم.

ما ضمن دعوت از دیگر جریانات، تشکل ها و شخصیت ها، خواهان آن هستیم که این بحث را از هر کاتالی که می شناسند دامن زده و توجه و علاقمندی همه دوستان و آشنایان خود را برای مشارکت فعال و ارائه نقطه نظرات خویش در رابطه جلب نمایند.

ابسل گویجی برای تحقق واقعی این شعار در خدمت همه آن کسانی قرار دارد که در راه رفع فقر و پراکندگی نیروهای ترکمن و تشکیل این کنفرانس سخنی برای گفتن دارند.

ما ضمن تبعیت از این اصل که گرایشات وحدت جویانه نیروهای ترکمن می بایست در خدمت

این هدف مقدس قرار گیرد، علاقمندان به شرکت در این بحث را جداً از پرداختن به مسائل جزئی و فرعی و مسایلی که موجبات بیشتر تفرق و پراکندگی را فراهم آورد بر حذر می داریم.

ما با استناد به این امر که در حال حاضر واقعیت های موجود بسیاری از مسائل را برای نیروهای ترکمن روشن ساخته و بر تفکرات دکماتیک گذشته ضربات جدی وارد آمده و

بیش از پیش واقع گرایی وزن عمده ای را در این بین کسب نموده است، اعتقاد را سخ داریم که نیروهای ترکمن از آن ظرفیت و پتانسیل برخوردار هستند که در این برهه از تاریخ

خلق خود، با حرکت مستقیم و آگاهانه خویش پاسخ شایسته و مسئولانه ای را به این فراخوان داده و از هیچ کوششی برای هر چه بهتر بر گزار نمودن این کنفرانس دریغ ننمایند.

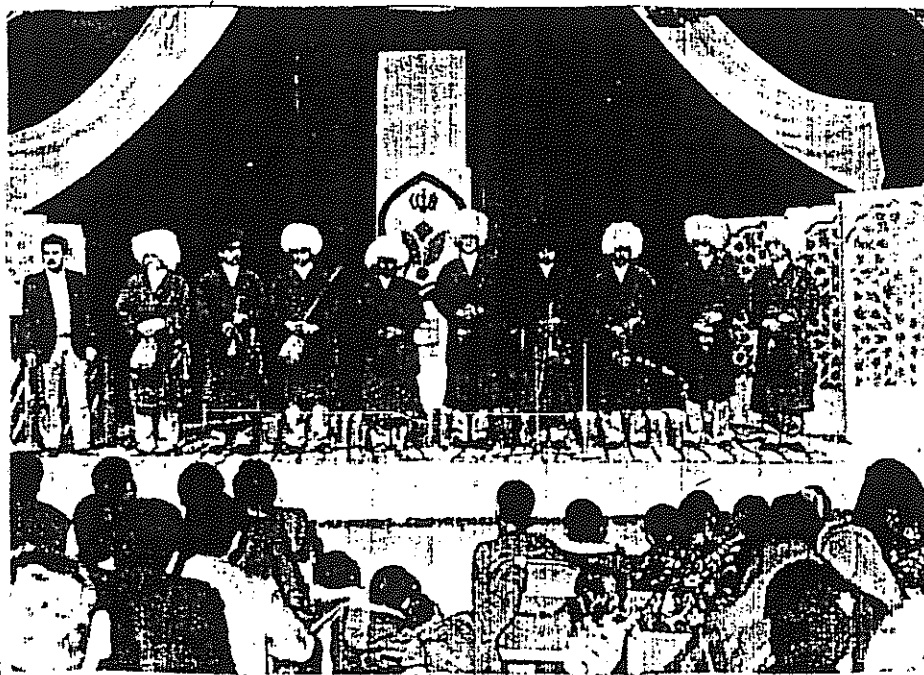
برگزاری کنفرانس سراسری همه نیروهای دمکرات، ملی و ترقیخواه ترکمن نه تنها نقطه عطف و آرزوی دیرینه نیروهای ترکمن بشمار می آید

اطلاعیه

جهت اطلاع علاقمندان
به موسیقی ترکمنی

قرار است گروه موسیقی دولت
محمد آزادی کنسرت جهت
اجرای کنسرتی عازم فرانسه
گردد.

این کنسرت در شهر "آویون" و
بمسدت یک هفته از ۱-۷
مردادماه برگزار میگردد.
لازم به ذکر است که گروه
مذیوراز جمله گروههای
موسیقی است که همواره در
جشنواره های دهه فجر بعنوان
گروه برگزیده انتخاب می
گردد.



آید، بلکه آن یگانه اهرمی
است که می توان آن
رادراسستانی پاسخ به
بنیادی ترین مسائل ملت
ترکمن و تاثیر گذاری موثر
بر جنبش داخل ترکمن صحرا
بکار گرفت.

شرط بر کزاری موفق این
کنفرانس منوط به شرکت و
حضور هرچه فعال تر و گسترده
تر نیروهای متعدد و دلسوز
ترکمن و تلاش مسئولان آنان
برای تامین و استحکام هرچه
بیشتر نیروهای ترکمن با هدف
هموار نمودن بسترهای سالم
برای پرداختن و دستیابی به
اساسی ترین گره گاههای جنبش
ملی - دمکراتیک ملت ترکمن
است. دراین رابطه بیان سخنان
داهبانه مخومقلی چه زیبنده
است که گفته ا:
کؤنکؤل لیر، یؤرکلر ، بیر
بؤلنپ باشلار

تارتسا بیغئن ،

ارار تۇپراقلار - داشلار

بیر

سوپرادا تاییار قئیلنسا آشلار

کؤته ریلر اول ائقبالی
تؤکمینک .

باشدکه با تلاش و مساعی
پیگیرانه خود کنفرانس
هرچه موفقیت آمیزی را
با حضور حدالامکان جمع وسیع

نیروهای ملی ،

دمکرات و ترقیخواه

ترکمن در آتیه ای نه

چندان دور برگزار

نمائیم .

ایلیم گونئم بولسا ، ایئم گونئم دؤ غماسئن

خوانندگان گرامی!

ایسل گویجی برای انعکاس عقاید، نظرات و پیشنهادات شما در راستای تدارک و تشکیل کنفرانس سراسری همه نیروهای دمکرات، ملی و ترقیبخواه ترکمن و دیگر مسائل مطرح در جنبش ملت ترکمن، بخش اعظم صفحات خود را بدین مناسبت اختصاص می‌دهد. لذا از تمامی نیروهای ملی، دمکرات و دلسوز ملت ترکمن دعوت می‌نمایم با ارسال مطالب خویش در این زمینه ها، نشریه ایل گویجی را هرچه پربارتر نمایند. بدیهیست که کلیه مطالب ارسالی در این رابطه با ذکر نام نویسنده و بدون هیچگونه تفسیر و یا اظهار نظر از سوی ه. د. ت در این نشریه درج گردیده و مسئولیت مربوطه به شکل و مضمون مطالب مندرج در این صفحات بعهده آن خواهد بود.

هیات تحریریه

آدرس ایل گویجی
 POSTLAGER KARTE
 NR. 127492 C
 4800 BIELEFELD
 GERMANY

